

تجسم نمادین «نیروانا» در معماری بودایی

*
فاطمه شاهرودی

**
مریم بهاریه

چکیده: «نیروانا»^۱ بالاترین مرتبه سلوک عرفانی در آیین بودا محسوب می‌شود. در واقع، شاید بتوان نیروانا را مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مفهوم در تفکر بودایی دانست. اما به طور معمول پژوهش‌ها و بررسی‌های انجام شده در مورد هنر بودایی بدون توجه به این مفهوم انجام می‌شود.

اگر بپذیریم که هنر در جوامع سنتی وسیله‌ای برای بیان و توضیح اندیشه‌ها و عقاید دینی آن جوامع بوده است، بی‌تردید می‌توان معماری بودایی را یکی از بهترین جلوه‌های تجسم نیروانا به عنوان مهم‌ترین هدف آیین بودایی دانست. در مقاله حاضر پس از مروری کوتاه بر زندگی و عقاید بودا، به چیستی «نیروانا» پرداخته و پس از آن به چگونگی تجسم نمادین این مفهوم در معماری بودایی می‌پردازیم. آثار معماری در این مقاله با رویکرد «نشانه‌شناسی» بررسی خواهد شد.

واژگان کلیدی: نیروانا، آیین بودا، معماری بودایی

◆ مقدمه

بودا بنیانگذار یکی از مهم‌ترین آیین‌های دنیاست. «امروزه ده‌ها میلیون نفر در هند، تبت، چین، ژاپن و سایر نقاط دنیا پیرو او هستند. شمار بوداییان کنونی در سراسر جهان بیش از هفتصد میلیون نفر است»^۲ (ساده‌تسا، ۱۳۸۶، ص ۷).

«نیروانا» مهم‌ترین هدف این آیین به شمار می‌آید.

بخش مهمی از تاریخ هنر جهان را «هنر بودایی» تشکیل می‌دهد. یکی از ویژگی‌های این هنر، استفاده از نماد برای بیان عقاید و تعالیم آیین بودایی است. با توجه به اهمیت «نیروانا» در آیین بودا، مقاله حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه این مفهوم در هنر معماری بودایی تجسمی نمادین پیدا کرده است. اما برای فهم بهتر «نیروانا»، ناگزیر از پرداختن به زندگی «بودا» و اعتقادات او هستیم. در واقع بودا نخستین فردی است که در این آیین به مرحله «نیروانا» دست یافت.

◆ زندگی و عقاید بودا

سیدارتا گوتاما^۳ شاهزاده‌ای هندی بود که در حدود قرن ششم قبل از میلاد^۴ در شهر کاپیلاواستو^۵ واقع در شمال

◆ بنارس به دنیا آمد.

وی بعدها به لقب بودا به معنای «به بیداری رسیده» مشهور شد. پدرش حاکم منطقه‌ای در مرز میان نپال و هند امروزی بود. در واقع بودا به طبقه کشاتریا^۶ یا طبقه شاهان و فرمانرویان تعلق داشته و در محیطی اشرافی و مرفه رشد و پرورش یافت.

پس از تولد بودا، روحانیون برهمن پیش‌بینی کردند که وی در صورتی که دنیا و مواهب آن را برگزیند پادشاهی بزرگ خواهد شد و اگر دنیا و تعلقات آن را ترک کند رهبر مذهبی برجسته‌ای خواهد شد که دنیا را متحول خواهد کرد. پدر بودا که برای تاج و تخت خود وارث دیگری نداشت بسیار نگران شد و تصمیم گرفت که بودا را به زندگی مادی و دنیوی وابسته کند تا به هیچ روی امکان گرایش وی به زندگی مذهبی فراهم نشود. از این رو زندگی مرفه و شاهانه برای وی فراهم کرد که در آن کوچکترین ناراحتی یا کمبودی نداشته باشد. بودا در کودکی زیر نظر بهترین آموزگاران به فراگیری دانش و فنون زمان خود پرداخت و انواع تجملات، لذت‌ها و شادمانی‌ها برای او فراهم بود. در اوایل جوانی ازدواج کرد و پس از چندی صاحب فرزند پسری شد.

* استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکزی
** کارشناس ارشد پژوهش هنر

◆ **نیروانا**

«نیروانا» در لغت به معنای توقف، بازایستادن و خاموش شدن است. بودا در مسیر جستجوهای خود دریافته بود که مهم‌ترین مساله انسان‌ها اضطراب، درد و رنج اجتناب ناپذیری است که در طول زندگی خود تجربه می‌کنند. آنچه بودا در عالم اشراق دریافت این بود که کلیه دردها و عذاب‌ها و اضطرابات ذهنی انسان ناشی از دل بستگی و اشتیاق به آمال و آرزوها است... پس «نیروانا» برای بودا مرحله‌هایی از اشتیاق‌ها و آرزوها بود... (همان). در واقع به اعتقاد بودا هنگامی که انسان خواسته و آرزویی نداشته باشد، از عدم دستیابی به آن نیز دچار رنج و عذاب نمی‌شود. ما هنگامی دچار ناراحتی می‌شویم که به خواسته خود نرسیده ایم.

«برخی نیروانا را به صفاتی چون شغف، آرامش و لذت نیز آراسته اند ولی واقعیت این است که لفظ نیروانا فی‌الذاته نمی‌تواند دارای چنین صفاتی باشد و شاید صرفاً به جهت این که در این مرتبه، سالک از هر درد و اندوه‌هایی می‌یابد آن را با شغف مقارن دانسته اند. درحالی‌که در نیروانا نه رنج است و نه خوشی... در نیروانا خوشی یا ناخوشی، زیبایی یا زشتی، وجود یا عدم معنی ندارد. نیروانا نه عدم است و نه وجود» (همان). در واقع این تقابل‌های دوتایی به جهانی که در آن زندگی می‌کنیم مربوط می‌شود در حالی که نیروانا ورای آن است.

◆ **کیهان شناسی بودایی**

تجسم «نیروانا» در معماری بودایی با کیهان شناسی این آیین پیوند خورده است. از این رو در این قسمت به توضیح «کیهان شناسی بودایی» می‌پردازیم.

در آیین بودا، مرکز یا محور عالم کوهی سر به فلک کشیده است که «مرو» یا «سومه رو»^۸ نامیده می‌شود. در واقع گسترش افلاک در این آیین از این کوه شروع شده و به این ترتیب عالم شکل می‌گیرد. در اطراف این کوه، هفت سلسله جبال گرد وجود دارد که هم مرکز بوده و با هفت اقیانوس از هم جدا می‌شوند. سلسله جبال مذکور را اقیانوس بزرگتری احاطه کرده است که در چهار جهت آن چهار قاره جزیره مانند وجود دارد. در قاره جنوبی انسان‌ها زندگی می‌کنند. بر فراز تمام این کوه‌ها و اقیانوس‌ها طبقات آسمان قرار دارد که تعداد آن در هر فرقه و عصری متفاوت است. در برخی از آثار هنر بودایی به ویژه در نقاشی و فضا سازی‌های معماری، تلاش می‌شود که الگویی از این تصور کیهانی از جهان بازنمایی شود. (تصویر ۱)

در یکی از روزهایی که بودا در اطراف خانه مجلل خود به گردش مشغول بود صحنه‌هایی را مشاهده کرد که زندگی او را تغییر داد. بودا در مسیر خود به پیرمردی فرتوت، بیماری ناتوان و جسدی ناشناس برخورد کرد. علاوه بر این، وی زاهدی آرام را دید که به نظر می‌رسید که هیچ نگرانی و دغدغه‌ای در زندگی ندارد. در واقع بودا در طول زندگی مرفه خود با واقعیت‌های دردناک زندگی چون پیری، بیماری و مرگ آشنا نبود و آگاهی از این حقایق ضربه سختی برای او محسوب می‌شد. بودا متوجه شد که او نیز همچون دیگر انسان‌ها روزی دچار این واقعیت‌ها خواهد شد. بودا پس از برخورد با این وقایع تصمیم گرفت برای دستیابی به حقیقت، زندگی مرفه و خانواده خود را ترک کرده و به ریاضت جسمانی و مراقبه بپردازد. سال‌ها گذشت اما همچنان حجاب حقیقت از مقابل دیدگان بودا کنار نرفته بود. «مهمترین مشکل او مساله عمیق و گسترده رنج و عذاب بود. به هر سو که می‌نگریست - در عمق پدیده‌ها و روابط انسان‌ها با جهان اطرافش - مشقت و الم را می‌یافت» (دکگو، ۱۳۷۷، ۱۳۱). سرانجام روزی به هنگام مراقبه در کنار ساحل با مردی برخورد کرد که در حال قایقرانی با خود آواز می‌خواند. مضمون زمزمه‌های او این بود که اگر مسیر رودخانه‌ای را ببندی، طغیان می‌کند و اگر آن را کنترل نکرده و رهاش کنی هرز می‌رود. مضمون نغز و ساده آواز قایقران او را به فکر فرو برد و متحول کرد. بودا دریافت که ریاضت‌های سخت جسمانی همچون حجابی او را از رسیدن به سرمنزل مقصود باز خواهد داشت. از این رو در مسیر جستجوی حقیقت، «راه میانه» در پیش گرفت و زندگی سخت و ریاضت‌گونه را کنار نهاد اما همچنان به تامل و مراقبه ادامه داد. سرانجام، روزی بودا پس از این که هفت شبانه روز در زیر درختی درحال خلسه و مراقبه بود، حقیقت عالم را دریافت و به «نیروانا» پیوست.

پاسخ بودا به این پرسش که آیا درد و رنج بشری پایان پذیر است، مثبت است. در واقع بزرگ‌ترین پیام بودا این است که «گرچه جهان [مملو از] درد است اما امکان رستگاری و چیرگی بر آن هست» (راه حق؛ مقدمه مترجم، ۱۳۸۰، ۲۲). از نظر بودا «نیروانا» مرحله‌هایی از خواست و آرزوها و در نتیجه درد و رنج است و دستیابی به آن برای همه افراد بشر امکان پذیر است. او برای از بین بردن امیال و آرزوها، دستورالعملی را توصیه می‌کند که به «راه‌های هشنگانه» معروف است که شامل دریافت نیک، اندیشه نیک، گفتار نیک، کردار نیک، معاش نیک، دستیابی نیک، آگاهی نیک و تمرکز نیک^۷ می‌شود.

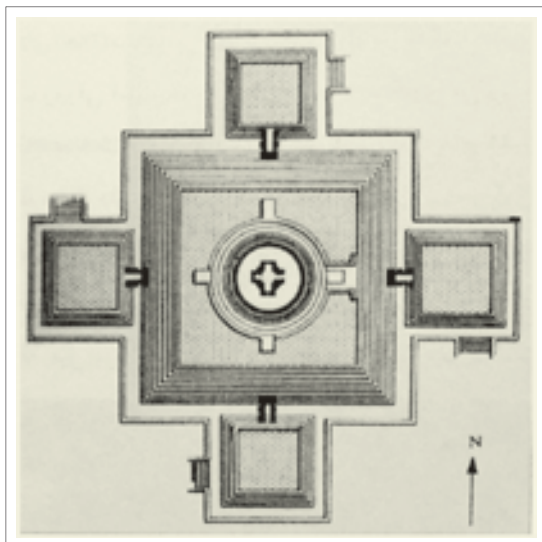


■ تصویر ۳: سر ستون سارانات، دوره آشوکا، ۱۵۰/۲ متر، ۲۵۰ ق. م.

نوع دیگری از معماری بودایی معابدی به نام استوپا^{۱۱} است. استوپا بنایی توپر به شکل نیمکره است که از جنس خاک، آجر یا سنگ ساخته شده و در مرکز آن بقایای خاکستر بودا و قدیسین قرار دارد.^{۱۲} الگوی این شکل از معماری برگرفته از گورتل های هندو است. بر فراز استوپا میله ای قرار می گیرد که «یاستی» نامیده شده و با صفحاتی گرد یا چترواره^{۱۳} مزین می شود. حصار مربع شکل به نام «هارمیکا»^{۱۴} اطراف یاستی را در بر می گیرد. استوپا با نردهای از اطراف خود جدا می شود. از آنجا که استوپا حجمی توپر است و امکان ورود به آن وجود ندارد، نیایشگران در جهت عقربه های ساعت در اطراف آن طواف می کنند. استوپای «سانچی»^{۱۵} بیش از سایر استوپاها معروف بوده و در قرن اول قبل از میلاد در هند بنا شد. (تصاویر ۴ و ۵)



■ تصویر ۴: استوپای سانچی، قرن اول ق. م.



■ تصویر ۱: کاربرد کیهان‌شناسی بودایی در فضا‌سازی معماری، کامبوج، قرن ۱۳ م.

◆ معماری بودایی

بخشی از معماری بودایی شامل ستون هایی می شود که آشوکا^۹ (۲۷۳-۲۳۲ ق. م.) در محل مهم‌ترین رخداد های زندگی بودا برافراشت. رخداد های مهم شامل محل تولد، مرحله روشن شدگی یا نیروانا، اولین موعظه و مرگ بودا می شد.

این ستون ها که از جنبه هنری بسیار قابل توجه هستند مشتمل بر سرستون هایی بودند که در آن ها نمادهای بودایی چون گاو، شیر، چرخ، اسب و گل نیلوفر به کار رفته بود. ستون «سارانات»^{۱۰} معروف ترین این ستون ها است که در محل اولین موعظه بودا - پس از دستیابی به نیروانا- برافراشته شد. (تصاویر ۲ و ۳)

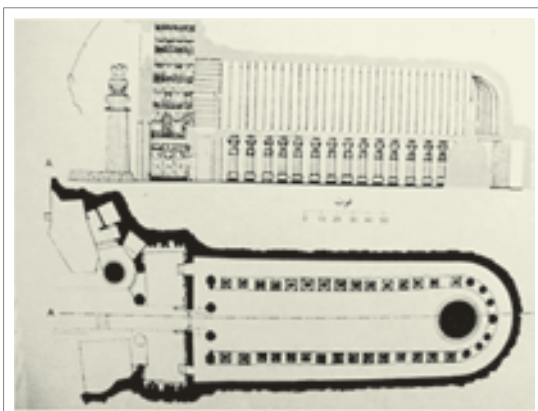


■ تصویر ۲: ستون آشوکا با سرستون شیر، در منطقه لوریانا ندانگره، ۲۴۲ ق. م.

شکل دیگری از معابد بودایی چایتیا^{۱۷} نام دارد. چایتیا معبدی است که برای عبادت و نیایش بوداییان در دل کوه ها و صخره ها ساخته می شود. فضای آن به شکل U بوده و سقف آن از نوع گهواره ای است. در دو طرف چایتیا دو ردیف ستون وجود دارد و در انتهای آن یک استوپا قرار داده می شده که بوداییان می توانستند در اطراف آن طواف کنند. (تصاویر ۷ و ۸)



تصویر ۷: چایتیای کارلی، قرن اول م.



تصویر ۸: نقشه ساختمان و نمای چایتیای کارلی.

اقامتگاههایی که برای زاهدان و رهروان بودایی در اطراف استوپا و چایتیا ساخته می شود ویهارا نام دارد. در واقع پیروان آیین بودا در ویهارا^{۱۸} اقامت کرده و به عبادت و مراقبه می پرداختند.

◆ تجسم نمادین نیروانا در معماری

در معماری بودایی، استوپا نماد «نیروانا» محسوب می شود (کریون، ۱۳۸۰، ۵۹). در این زمینه می توان این پرسش را مطرح نمود که چرا و چگونه استوپا چنین مفهومی را منتقل می کند؟ و آیا مفهوم نیروانا در شکل های دیگر معماری بودایی نیز نمود دارد؟

فیشر معتقد است که استفاده از میله بر فراز استوپا اشاره به «محور عالم» در دیدگاه کیهان شناسی بودایی دارد



تصویر ۵: ترسیم بازسازی مجموعه سانچی.

ستون ها و استوپا در معماری بودایی از دیدگاه کارکردی با یکدیگر قابل مقایسه بوده و در تاریخ هنر معماری متمایز از سایر بناها به نظر می رسند. در واقع از لحاظ کارکرد به سختی بتوان آنها را مجسمه یا معماری کامل و ناب به شمار آورد. ستون های یادبودی آشوکا به یادمان وقایع زندگی بودا ساخته شده اند اما به شکل یکی از عناصر معماری یعنی ستون هستند. از سویی دیگر، نقش این ستون ها با ستون های به کار رفته در بناهای معماری متفاوت بوده و حمل کننده بخشی از بنا نیستند. استوپا نیز مانند یک مجسمه، حجمی توپر است و نمی توان وارد آن شد اما در عمل کارکرد یک بنا را ایفا می کنند.

پاگودا^{۱۶} نوع دیگری از معماری بودایی است که متأثر استوپا ساخته شده اما شکل آن چندان وجه مشترکی با استوپا ندارد. پاگودا معبد هرمی شکل است که بر روی بقایا و یادگارهای قدیسین بنا می شود. پاگودا از چند طبقه تشکیل شده و شکل آن در جهت بالا باریک تر می شود. این نوع بنا بیشتر در مناطق خارج از هند همچون چین، ژاپن و کره دیده می شود. (تصویر ۶)



تصویر ۶: پاگودای هوریوجی، ژاپن، قرن هفتم م.



زمینه می توان این پرسش را مطرح نمود که چرا در معماری بودایی چنین امری صورت گرفته است؟ از سویی دیگر معمولا یک شیء مقدس در مرکز پلان معماری یک مکان مقدس و دینی قرار داده می شود. در حالی که محل قرارگیری نمادین استوپا در چایتیا در عقب ترین و تاریک ترین قسمت آن است. به نظر می رسد کاربرد استوپا در انتهای تاریک و پر رمز و راز معبدی که محل نیایش و ذکر بوداییان است در راستای غایت دینی آنها یعنی نیروانا است. در واقع در انتهای چایتیا، تجسمی نمادین از هدف غایی بودیسم برای رهروان آن در نظر گرفته شده است. این استوپا نوعی تذکار نمادین برای بوداییان به شمار می آید تا در این نوع از معابد نیز به یاد داشته باشند که هدف از ذکر و مراقبه در این آیین دستیابی به مرتبه نیروانا است. از سویی دیگر به نظر می رسد انتهای چایتیا که رهروان بودایی بیشترین مسافت را برای رسیدن به آن باید طی کنند نمادی از لزوم تلاش و سخت کوشی برای رسیدن به این مرحله است.

◆ نتیجه‌گیری

«نیروانا» به عنوان هدف و غایت آیین بودایی در هنر و به ویژه در معماری آن تجسم پیدا کرده است. به نظر می رسد نماد میله در بخش های مختلف معماری بودایی در رابطه با مفهوم نیروانا قابل بررسی است. ستون های یادبودی آشوکا برای بودا به عنوان نخستین فردی که به نیروانا رسیده است و پاگودا برای قدسیین ساخته شده است. از سوی دیگر فرم میله ای شکل در این بناها در راستای مفهوم «محور عالم» که در بینش کیهان شناسی بودایی مطرح است کاربرد داشته است. در واقع می توان چنین برداشت کرد که در معماری بودایی، نیروانا - به عنوان مقصد نهایی این آیین - به کمک نماد یا فرم میله در جایگاه مهمترین امر هستی و جوهر آفرینش تجسم یافته است.

استوپا به تنهایی و همچنین به شکلی نمادین در چایتیا به عنوان تجسمی کلی از «نیروانا» در معماری بودایی محسوب می شود. به نظر می رسد کاربرد استوپا در انتهای تاریک چایتیا نیز در راستای مفهوم نیروانا بوده است. به عبارت بهتر، استوپا به شکلی نمادین یادآور هدف و مقصد نهایی رهروان بودایی و تاکید بر تلاش و کوششی است که باید در طی کردن این مسیر به خرج دهند. علاوه بر این نیروانا در استوپا به کمک نمادهایی چون هارمیکا در معنای بهشت، «میله» در معنای «محور عالم» و همچنین تکرار «حصار» برای تاکید بر امر یا وجودی «مقدس» قابل بررسی است.

(فیشر، ۱۳۸۳، ۲۴). از سویی دیگر دیدیم که آشوکا در مکان هایی که مهم ترین اتفاقات زندگی بودا رخ داده بود نیز ستون هایی برافراشت. یکی از آنها جایی بود که بودا به «نیروانا» رسیده بود. اما چرا آشوکا یک ستون را برای یادبود وقایع مهم زندگی نخستین فردی که به نیروانا رسیده بود انتخاب کرد. چرا شکل میله (یاستی) در استوپا به کار رفته است و چه ارتباطی با بودا دارد؟

در مبحث کیهان شناسی بودایی دیدیم که بنیاد عالم بر یک کوه یا محور استوار است. با توجه به این که نیروانا هدف و مقصد نهایی بودا و رهروان او در این آیین است آیا نمادی به جز مرکز عالم شایستگی قرارگرفتن بر فراز استوپا به عنوان محل دفن خاکستر بودا و قدسیین را دارد؟ به نظر می رسد چنین برداشتی در مورد ستون های یادبودی بودا و همچنین فرم ستون مانند پاگوداها قابل توجه و بررسی باشد. در واقع نماد میله در معماری بودایی به درستی می تواند بیان کننده این تفسیر باشد که اصلی ترین و بالاترین امر در هستی رسیدن به نیروانا است.

«هارمیکا» یک الگوی کوچک شده از حصار بزرگتری است که اطراف استوپا را احاطه کرده است. در این جا می توان این سؤال را مطرح نمود که چرا الگوی «حصار» در استوپا تکرار می شود. فیشر در کتاب خود می نویسد که هندیان بر اساس رسمی کهن، اطراف اشیاء مقدس همچون معابد و درختان مقدس را حصار می کشیدند (فیشر، ۱۳۸۳، ۳۷). از مقایسه این سنت هندی و استوپا - به عنوان نمادی از «نیروانا» - می توان برداشتی در این زمینه ارائه نمود. در واقع از آنجایی که در آیین بودیسم، شخص بودا از اهمیت و تقدس بالایی برخوردار است و از سویی دیگر، همان طور که پیش از این نیز گفته شد بودا نخستین فردی است که به مرحله «نیروانا» نائل شده است بنابراین «استوپا» به عنوان محل دفن خاکستر بودا از بالاترین درجه تقدس برخوردار است. از این رو چندان دور از ذهن نمی نماید در بنایی که به عنوان نماد «نیروانا» در آیین بودا به شمار می آید الگوی «حصار» در قالب «هارمیکا» و حصاری بزرگتری در اطراف آن تکرار شود. اما هارمیکا به تنهایی «نماد بهشت است» (گاردنر، ۱۳۷۰، ۶۸). در واقع در کارکرد دوم این عنصر معماری در استوپا، بین مفهوم نیروانا و بهشت در تعالیم بودایی پیوندی نمادین حاصل می شود.

همان طور که پیش از این گفته شد یک استوپای کوچک به عنوان یکی از اجزاء اصلی در معابد غاری معروف به چایتیا در نظر گرفته می شود. به نظر می رسد که قرار گرفتن یک نوع عبادتگاه نمادین در قسمت انتهایی نوع دیگری از معابد، در معماری جهان بی نظیر باشد. در این

۱۲- طبق سنت ادیان هندی، جسد بودا پس از مرگ سوزانده شد. سپس خاکستر او را به چند بخش تقسیم کرده و بر روی هر یک استوپایی بنا نمودند. گفته می شود که در زمان آشوکا، هشتاد و چهار هزار استوپا ساخته شد» (کراون، ۱۳۸۸، ص ۷۷).

13- chhatraveli

14- Harmika

15 Sanchi

16- Pagoda

17- Chaitya

18- vihara

◆ فهرست منابع

- ۱- ذکرگو، امیر حسین، اسرار اساطیر هند، تهران، چاپ اول، تهران، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۷.
- ۲- راه حق: دماپادا: متن بودایی، ترجمه رضا علوی، چاپ اول، تهران، نشر فرزاد روز، ۱۳۸۰.
- ۳- سادهاتیسا، ه.، بودا و اندیشه های او، ترجمه محمد تقی بهرامی حرا، چاپ دوم، تهران، انتشارات جامی، ۱۳۸۶.
- ۴- فیشر، رابرت ای، نگارگری و معماری بودایی، ترجمه ع. پاشایی، چاپ اول، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر، ۱۳۸۳.
- ۵- کریون، روی سی، تاریخ مختصر هنر هند، ترجمه فرزاد سجودی و کاوه سجودی، چاپ اول، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر، ۱۳۸۸.
- ۶- گاردنر، هلن، هنر در گذر زمان، ترجمه محمد تقی فرامرزی، چاپ دوم، تهران، انتشارات نگاه و انتشارات آگاه، ۱۳۷۰.
- ۷- هاوکینز، برادلی، آیین بودا، ترجمه علی حاج بابایی، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۱.

◆ پی نوشت

1-Nirvana

۲- برای مطالعه بیشتر در زمینه وضعیت آیین بودا در جهان امروز ر.ک. به: (هاوکینز، ۱۳۸۱)

3 - Siddhartha Gautama

۴- در مورد تولد بودا اتفاق نظر وجود ندارد. ذکرگو (۱۳۷۸، ص ۱۲۷) در این زمینه معتقد است که با توجه به نظرات گوناگون می توان تولد او را بین ۶۲۴ تا ۵۶۶ قبل از میلاد حدس زد.

5- Kapilavastu.

۶- طبقات اجتماعی هند در آن زمان به چهار گروه تقسیم می شدند. این تقسیم بندی، کاست (Caste) نامیده می شود. بالاترین طبقه اجتماعی را برهمنان یا عالمان دینی تشکیل می دادند. پس از آنها طبقه «کشاتریا» (Kshatriya) بود که شامل حاکمان و فرمانروایان جامعه می شد. «وایشیا» (Vaishya) سومین طبقه اجتماعی بود که از بازرگانان و پیشه وران تشکیل شده بود. «شودرا» (Sudra) آخرین و پایین ترین طبقه محسوب شده که شامل کارگران و خدمتکاران می شد.

۷- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک. به: (سادهاتیسا، ۱۳۸۶، صص ۴۱-۴۵).

8- SumeruBø Meru

۹ - آشوکا Ashoka یکی از حاکمان هند که در قرن سوم قبل از میلاد به آیین بودا گروید و نقش مهمی در رشد و گسترش این آیین در کشورهای همسایه هند داشت.

10- Sarnath

